

ایران و درس گرفتن از تاریخ

نوشته: پرفسور کولودکو

در کمال ناامیدی بسیاری از مشاهده‌گران، استراتژی کنونی آمریکا در برابر ایران ظاهراً تکرار مجدد همان مسیری است که به وضعیت کنونی در عراق منجر شد. معاون سابق نخست‌وزیر لهستان و وزیر دارایی سابق این کشور پرفسور کولودکو استدلال می‌کند که حمله آمریکا به ایران فقط مانعی در راه توانایی بالقوه ایران برای انقلابی به سمت بازار آزاد و دموکراتیک در کشور خواهد بود.

اگر از خارج به جدال ایران و آمریکا بنگریم تعجب خواهیم کرد از این که ببینیم این جدال تا چه اندازه بر بعد نظامی متمرکز شده است. به جای این که درباره جزئیات ارسال بمب به ایران بحث کنیم باید به این مسئله پردازیم که جریان ایده‌های نوین ایران را بمباران کرده است. در طول بازدیدهای اخیر خود، متوجه شدم ایرانیان عطش فراوانی دارند تا اقتصادی بر پایه دانش بنا کنند. آنها علاقمندند تا درباره تجارت آزاد، جامعه مدنی، بنیادهای نهادی اقتصاد و جامعه باز، اصلاحات ساختاری بازار، و خصوصی‌سازی بشنوند و یاد بگیرند و حتی مدیریت مسنول‌تری در قبال بیت‌المال داشته باشند.

نه تنها در تهران بلکه در سراسر کشور این عطش برای دانستن وجود دارد. به ویژه نسل جوان، دانشجویان، حرفه‌ای‌ها، مدیران، بازرگانان، کارمندان جدید در دولت مرکزی و محلی، خبرنگاران، همه و همه تلاش می‌کند تا از جهان خارج چیزهای بیشتری بیاموزند و چنین دانشی باید به آنها داده شود.

بنابراین اگر بخواهیم در انقلاب جدید و واقعی ایرانیان به آنان کمک کنیم باید مصمم شویم

تا از آنها دعوت کنیم که هزاران هزار نفر از آنها در دانشگاه‌های امریکا و اروپا به تحصیل مشغول شوند.

فرار مغزها

برای ایرانیان جوانی که مایل به تحصیل در امریکا باشند گزینه‌های دیگری نیز وجود دارد. هنگامی که در دانشگاه‌های امریکا بر روی آنها بسته باشد آنان به هند، روسیه، چین، مصر، افریقای جنوبی و برزیل روی می‌آورند و امریکا را از نیروی مغزی خود و توانایی منحصر به فرد خود محروم می‌کنند. در سازمان‌های دولتی، دانشگاه‌ها، تجارت و در رسانه‌ها، ایرانیان به ویژه علاقه دارند تا از اصلاح‌گرانی که اروپای مرکزی - شرقی پس از کمونیست و بازارهای نوظهور آن را به وجود آوردند چیزهای زیادی بیاموزند.

من در کشور خودم - لهستان - به عنوان وزیر دارایی و معاون نخست‌وزیر خدمت کرده‌ام. در آن جایگاه من تلاش کردم تا دوران گذر از کمونیسم به اقتصاد شکوفای بازاری را شکل دهم.

خصوصی‌سازی رایج

شاید در نتیجه آن تجربه بود که در هر جلسه، کنفرانس و مصاحبه من با این سؤالات بمباران می‌شدم: چه کارهایی مؤثر بودند؟ دلیل مؤثر بودن آنها چه بود؟ چه کارهایی با شکست مواجه شدند و چرا؟

طرف‌های صحبت من در ایران علاقمند بودند که نه تنها در مورد تئوری اقتصادی بلکه بیشتر درباره مفاهیم سیاست‌گذاری و برنامه‌ها و همچنین نظام سیاسی درونی اطلاعات کسب کنند. آنها تلاش داشتند تا تجربه ما در زمینه خصوصی‌سازی اقتصاد و تجدید ساختار بخش دولتی را جذب کنند. ایرانیان خصوصی‌سازی و کاهش مقررات را نه تنها امری رایج تلقی

می‌کنند بلکه آن را راهی ضروری به سمت آینده‌ای بهتر برای خود می‌بینند. جالب است بدانیم که این ایده نه تنها در بین کارآفرینان، بلکه در بین طبقه روشنفکر حاکم نیز وجود دارد.

گشودن درهای ایران

این امر در آخرین بازدید کاری من از ایران به وضوح مشاهده شد. مسئولان بانفوذی همانند محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجید قاسمی رئیس اسبق بانک مرکزی درباره موضوعات فنی و نتایج گسترده اقتصادی و سیاسی خصوصی‌سازی سوالات زیادی پرسیدند.

از این دیدگاه می‌توان توجه داشت که در پیش‌بینی آنان فرایند خارج ساختن دارایی‌ها از حالت ملی راه را برای سرمایه‌گذاران خارجی باز می‌کند. ولی شرکت‌های امریکایی عمدتاً به این دلیل که سیاست‌های امریکا از دیدگاه ایران و سایر کشورها غیر منطقی به نظر می‌رسند از این فرصت باز می‌مانند.

زندگی همراه با تحریم

اگر دیدگاه واشنگتن نسبت به ایران تغییر نکند بدین معناست که دولت امریکا رسماً اعلام می‌کند که قصد دارد فرصت‌های تجاری ایران را به طور کامل به سرمایه‌گذاران فرانسه، آلمان، ایتالیا، هندوستان و خدای نکرده روسیه یا چین واگذار کند.

برخلاف درک امریکایی‌ها، اکثر ایرانیان نسبت به تحریم‌های طولانی‌مدت امریکا با دید راحت‌تری نگاه می‌کنند. رئیس اتاق بازرگانی و صنعت ایران آقای خاموشی به من گفت: ما

سال‌هاست به این تحریم‌ها عادت کرده‌ایم.

از نظر من، برخلاف توجه زیادی که رسانه‌ها به این موضوع معطوف کرده‌اند تحریم‌ها بر علیه ایران چندان مؤثر نیستند. در حقیقت این تحریم‌ها در مورد کشوری که از نظر منابع طبیعی غنی است ناکارآمد جلوه می‌کنند. ذخایر ارزی خارجی ایران هم‌اکنون بالغ بر پنجاه میلیارد دلار است.

دولت خودش را تغذیه می‌کند

من به عنوان یک لهستانی اعتقاد دارم که دیدگاه من درباره این موضوع جالب توجه است. هیچ فرد لهستانی فراموش نمی‌کند که بیست و پنج سال پیش کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده تحریم‌های اقتصادی را علیه کشور من اعمال کردند. سخنگوی دولت لهستان در آن زمان گفته خود را در کتاب‌های تاریخ جاویدان کرد: تأثیر تحریم‌ها بر ملت هر چه که باشد «دولت خودش را تغذیه می‌کند.»

ناکامی تحریم‌ها

نتیجه همان شد. تحریم‌ها حداقل برای چندسال دشواری‌های زیادی را بیشتر برای مردم به همراه آورد تا برای دولت. با وجود این طرفداران سیاست تحریم ایران توسط دولت امریکا در حال حاضر ممکن است استدلال کنند که در پایان کار دولت کمونیست لهستان سقوط کرد. بله. دولت سقوط کرد. اما همه ما به خوبی می‌دانیم که این روند حوادث معلول یک فرایند تدریجی و بومی ساختن نهادها و فرایند گفتگوی بین گروه دموکرات مخالف و ارکان

اصلاح طلب در دولت کمونیسم آن زمان بود.

بطور خلاصه، انقلاب لهستان محصول تلاش شهروندان خودمان بود نه محصول تحریم‌های غرب.

گزینه واقعی

درسی که من شخصاً گرفتم این است که همانطور که يك ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: گفتگو - و بطور کلی تفکر و عمل سازنده - می‌تواند معجزه کند در حالی که جنگ معمولاً فاجعه‌آفرین است.

بیا بید روراست باشیم. گزینه واقعی همین است. اگر نتوانیم رئیس‌جمهور کنونی ایران و تعدادی از روحانیون محافظه‌کار را به دوستان خوب تبدیل کنیم حداقل باید در مقابل این وسوسه مقاومت کنیم که ناامیدی خود از ناتوانی خود را به این صورت پنهان می‌کنیم که میلیون‌ها متخصص و دانشجوی ایرانی را به دشمنان آینده خود تبدیل می‌کنیم.

دوست واقعی ایران

من قانع شده‌ام که اگر کسی به ایران سفر نکرده باشد به خاطر ناآگاهی و تعصب این واقعیت را از دست خواهد داد که نوعی «انقلاب واقع‌گرایانه» در حیطه‌های فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی از قبل در ایران آغاز شده است.

سرانجام، هنگامی که من در تهران بودم در مورد بسیاری از گفتگوهای خود با مردم ایران تعمق کردم و از خود پرسیدم: واقعی‌ترین دوست رژیم کنونی ایران چه کسی است؟ در کمال ناباوری ولی کاملاً منطقی پاسخ این سؤال اینست:

ایالات متحده آمریکا. از هنگام بازگشت آیتا... خمینی از تبعید از فرانسه این ملت آنقدر

متحد نبوده که تهدید امریکا آنها را متحد ساخته است.

آیا تاریخ تکرار می‌شود؟

همانطور که همه جهان می‌دانند چنین چیزی نباید اتفاق بیفتد. بیشتر ایرانیان هنوز تمایل دارند که امریکا را به عنوان يك الگوي درخشان و الهام‌بخش برای هدایت آنها به خارج از تاریکی ببینند. تحت این شرایط و بخصوص با وجود منابع دارای هوش و ذکاوت در امریکا و در دولت این کشور، من تعجب می‌کنم که ببینم چگونه امکان دارد که دشمنی طولانی و ترس از ایران تا به امروز ادامه یابد.

آن‌طور که به نظر می‌رسد متخصصان و نظریه‌پردازان در واشنگتن واقعاً مصمم هستند تا آن حماقت را یکبار دیگر تکرار کنند و اینکار فاجعه‌ای بزرگ خواهد بود.
باور چنین چیزی غیر قابل تحمل است.